

## کرونا و علم زدگی عرفانی

احسان ابراهیمی

(۱)

۱- پس از شیوع ویروس کرونا در کشور و حواشی دینی الهیاتی که در پی داشت، تعدادی از رصدکنندگان و تحلیلگران تحولات دینی در کشور، در یادداشت‌هایی مجزا به سطوح مختلف این رخداد در کشور در عرصه دین شناسی پرداختند. (محسن حسام مظاہری و یاسر میردامادی)

در هر دو یادداشت، تمرکز اصلی بر برخورد فقهاء، حکومت و متولیان نهادهای مذهبی حکومتی با شیوع ویروس بود و آنچه در سطح خوانش حکومتی از فقه و واقعیات جامعه بروز و ظهور کرده است.

اما سطح دیگری از برخورد با ویروس کرونا و حواشی آن، جایی است که هر دو یادداشت اصلاً بدان نپرداختند، خواه از بی‌اهمیت بودن آن خواه از بی‌اولویت دانستن آن. جایی دورتر از حکومت و در دل خردۀ عرفانها و خردۀ مکاتب نیمه / شبۀ دینی مثل «عرفان حلقه». بنظر نگارنده اهمیت تحولاتی که کرونا و نوع برخورد با آن، در این جریانات ایجاد یا نمایان ساخته، هیچ کمارزش‌تر از آثار و نتایجی نیست که در سطح دین رسمی فقاوتی حکومتی رخ می‌دهد. تلاش می‌کنم در سطور آتی به نکات و نقدهایم در این باره بیشتر بپردازم.

۲- پیشتر در یادداشتی با عنوان «علم زدگی و فهم غیرروشنمند از قرآن» (<https://www.zeitoons.com/22752>) به عمدۀ نقدهایی که در خوانش علم زده از متن مقدس‌وارد است به نحو مستوفاً پرداخته‌ام. اصلی‌ترین کاری که علم‌زدگی با متن مقدس می‌کند عبارتند از:

الف) تبدیل زبان دین به زبان علم تجربی (فیزیک، کیهان‌شناسی، طب)

ب) تبدیل محتوای دین به محتوای (یا کارکرد) علم تجربی (بطور مثال: یافتن راهکار درمان بیماری‌های بدن از طریق آیات و روایات)

در آن یادداشت تلاش کردم نشان دهم هردوی این دو رویکرد خطاست و راه به جایی نمی‌برد. آنچه در آن یادداشت بدان پرداخته نشده بود، البته موردی است که در این مطلب بدان خواهم پرداخت و عبارت است از «نقدي بر علم زدگی عرفان»

علم‌زدگی در عرفان دقیقاً همان دو مبنای فوق را اینبار در سطح عرفان دنبال می‌کند. یعنی تلاش می‌کند نخست زبان عرفان را به زبان علم تجربی مستحیل کند و سپس از رهگذر آن، محتوای عرفان را به پزشکی یا فیزیک تبدیل کند. یعنی همان‌طور که علم طب متكفل درمان بیماری‌های بدن است، شفابخشی عرفان هم باید و شاید شامل بدن و جسم

نیز شود. جمله‌ای که تولیت بنیادگرای حرم معصومه در قم گفت: «این حرم دارالشفاست» و شفا را اعم از امراض روحی و جسمی منظور کرد، در عرفان حلقه نیز تکرار می‌شود و رهبر این گروه تلاش می‌کند به شیوه هایی ابداعی و گاهی بدعتی، امراض جسمی را درمان کند.

بیانیه‌ای که محمدعلی طاهری درباره ویروس کرونا صادر کرده است، محل تأمل بسیار است. گزاره هایی از آن بیانیه دو صفحه‌ای اینجا ذکر می‌شود تا محل نزاع روشن‌تر گردد:

«به منظور بررسی اثربخشی تیمار میدان شعوری، در مطالعاتی آزمایشگاهی (تجربی) و دقیق تحت شرایط استاندارد، در دو مرحله، یک بار بر ۴ سویه های کلکسیونی گرم مثبت و منفی و بار دیگر بر ۵ گونه بیمارستانی (جمعاً ۹ سویه) میزان اثربخشی بر حسب درصد کاهش جمعیت میکروبی بخوبی تایید شد.» (فیس بوک رسمی عرفان حلقه)

اصطلاحاتی مانند بیمارستان، آزمایشگاه، تجربی، میکروب، کرونا و ... در کنار اصطلاحات مبهمی مانند «میدان شعوری» یا «کلکسیون گرم مثبت و منفی» همگی نشان می‌دهد رهبر این جریان به تطابق کامل عرفان و علم پژوهشی باور دارد و تلاش می‌کند با ادبیاتی بر ساخته از عرفان و علم، این «یکسانی و اینهمانی» را نشان دهد و در آزمایشگاه اثبات کند. در واقع می‌توان ادعا کرد رهبر جریان عرفان حلقه در کنار تقسیم کلاسیک عرفان به نظری و عملی به عرفان پژوهشی نیز باور دارد. حال آنکه عرفان به معنای کلاسیک و مضيقش عبارت است از باور به ساحت قدسی هستی و نائل شدن به مقام تجربه عرفانی وشهودی. این باور و تجربه ربطی به فیزیک و طب و نجوم و دیگر علوم تجربی مدرن ندارد و تلاش برای تبدیل عرفان به شاخه‌ای از علوم تجربی، منطقاً خالی از خلل نیست.

همان‌طور که تولیت بنیادگرای حرم معصومه مفهوم «شفابخشی» مکان مقدس را به شفای جسمی نیز توسعه داده و با بستن و قرنطینه کردن حرم مخالفت کرده (هرچند علت اصلی این مخالفت‌ها، مالی و سیاسی و امنیتی است)، رهبر عرفان حلقه نیز «شفا» یی که در عرفان ایرانی/اسلامی ما بوده به جسم تسری داده و می‌خواهد علم عرفان پژوهشی را بنیان نهاد؛ همان‌طور که شخصی به نام تبریزیان علم طب روایی تاسیس کرده است. تمامی این سه خوانش که ذکر شد – حال هرکدام با بیانی متفاوت-دچار مغالطه «علم زدگی» و «تفسیر موسع» مفاهیم شده‌اند.

۳- چندی پیش در جلسه نقد و بررسی کتاب «آبی دریای بیکران؛ طرحواره ایی از عرفان مدرن» نوشته دکتر سروش دباغ، تحت عنوان «بررسی مقایسه ایی فقه و سیاست در عرفان صدرایی و عرفان مدرن» تلاش کردم نشان دهم جایگاه سیاست و فقه در عرفان مدرن به خوانش سروش دباغ در مواردی بسیار با آنچه ملا صدرا در عرفانش (به ویژه کتاب کسر اصنام جاهلیه) صورت‌بندی و تبیین کرده، شباهاتی قابل توجه دارد و لذا می‌توان «عرفان مدرن» را نهایتاً خوانشی نو از عرفان سنتی دانست. با این تفاوت که در عرفان کلاسیک و سنتی، فقه و شریعت حذف و طرد نمی‌شوند (آنچه رد و طرد می‌شود نگاه صرفاً فقهی و شریعت محور به دیانت است و نه حذف کامل فقه) اما در عرفان مدرن، فقه مقوله ایی فرهنگی و معنابخش تعیین می‌شود و ماهیت و سرشت نفس الامری اش را از دست می‌دهد. (کل سخنرانی‌های آن جلسه در این لینک ([https://t.me/Soroushdabbagh\\_Official/3861](https://t.me/Soroushdabbagh_Official/3861))، قابل دسترس است).

اینکه عرفان کلاسیک و مدرن به معنای مضيقش در مفاهیمی چون فقه، کلام و فلسفه نظرگاه‌هایی اختیار کرده و اعلام موضع کرده با اینکه بخواهد کارکرد و محتوای سیاسی یا فقهی یا کلامی داشته باشد، یعنی در دل این علوم استحاله شود (یا بر عکس)، امر متفاوتی است. به دیگر سخن، عرفای کلاسیک و مدرن ما هیچ یک از علوم را اعم از نظری و عملی در عرفان حذف و مستحیل نمی‌کنند و کارکردهای عرفان را به دیگر حوزه ها تسری مکانیکی و دستوری

نمی دهند (اگر در جایی چنین رخ داده، نقد این نوشتہ شامل آن هم می شود. یعنی تاکید این نوشتہ بر محمول است نه موضوع) اما آنچه در عرفان حلقه رخ داده و محل نقد این نوشتہ است، تسخیر و اشغال طب (و موسعاً علم تجربی) توسط عرفان حلقه است. اینکه علاقمندان و دوستداران عرفان حلقه از رهبر این جریان، درباره ویروس کرونا نظرخواهی و درمان طلبی می کنند نیز خود امر بدیع و نیازمند تحلیل از جامعه شناسی روانشناسی جدی است. اینکه مخاطبان نیز به بی ارتباط بودن عرفان و طب بی عنایت‌اند و از رهبر یک جریان عرفانی، راهکار طبی مطالبه می کنند خود قصه پرگache ای است.

البته نقدهایی ازین دست، به هیچ وجه کمترین تاییدی بر برخوردهای ناعادلانه و ظالمانه امنیتی و قضایی با خرد فرهنگها نیست و هرگونه برخورد قضایی و مبتنی بر توهم توطئه که توسط نهادهای امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی برضد خرد فرهنگ ها صورت می گیرد به صریح ترین بیان محاکوم است. ایراد اصلی این نوع برخوردها، علاوه بر ظالمانه بودن، مخل کردن روند طبیعی نقد و اصلاح و اصطکاک خرد فرهنگ هاست، به بهانه همنوا نشدن با سرکوب قضایی.

لذا مبتنی بر نقدی که در سطور بالا تبیین شد، پیشنهاد نگارنده به رهبر عرفان حلقه و یا هر جریان و نحله عرفانی دیگر این است که با رعایت انضباط منطقی و رعایت سه گانه «موضوع، روش و غایت» هر علم، از اختلالات بی دلیل میان علوم ماهیتاً بی ارتباط جلوگیری شود. ارجاع هر پرسش و نکته و دغدغه‌ای که توسط مخاطبان بیان می شود به اهلش، بهترین راه حفظ یک جریان فکری و نحله عرفانی است و نه توهם پاسخگویی به هر پرسش و نیازی. سالها پیش عبدالکریم سروش مفهوم «دین حداقلی» را بر ساخت تا به مصاف توهם «همه چیزدانی» فقهای قشری حاکم بود؛ اما گویا این وسوسه همه چیزدانی تنها مختص فقهاء نیست و آفتی است که در کمین همه نحله ها و فرقه ها و تجمعات است.



<https://www.midchart.com>

مرتب

به مرخصی آمد  
(<https://www.zeitoons.com/74007>)  
فرمانده ایرانی «مدافعان حرم» در سوریه کشته شد  
اسفند ۱۳۹۸، ۱۷  
»رخش زندگانی«



<https://www.zeitoons.com/73973>

مقدس» تراز انسان

(<https://www.zeitoons.com/73973>)

سند ۱۶، ۹۳۹۱

برگزیده‌ها



(<https://www.zeitoons.com/73902>)

## کرونا در تهران؛ بحران اقتصادی در کسب و کارهای

(<https://www.zeitoons.com/73902>) خصوصی

۱۳۹۸، ۱۵ اسفند

In «خبرها»